

بررسی روند شاخص های جمعیتی دانشگاه های ایران طی

سالهای تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ تا ۸۲-۱۳۸۱

احمدرضا روشن^۱ - یزدان ابراهیمی^۲

چکیده

در قرن بیستم، هدف بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای درحال توسعه، عمومی ساختن آموزش متوسطه بود، بدین معنی که آموزش قبل از دانشگاه تا حد ممکن در دسترس آحاد جامعه قرار گیرد. اما هدف بسیاری از کشورها در قرن بیست و یکم، عمومی ساختن و در دسترسی همه قرار دادن آموزش عالی است به طوری که دانشگاهها بتوانند درصد زیادی از متقاضیان ورود به دانشگاهها را پوشش دهند.

دانشجویان و دانشگاهیان از مهمترین و مؤثرترین گروههای اجتماعی محسوب می شوند که در بسیاری از تحولات جامعه ما نقش اساسی داشته اند. از آنجا که تغییرات جمعیت دانشجویی ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد لذا بررسی تغییرات کمی جمعیت دانشجویی و سایر شاخص های دانشگاهی به ویژه در سالهای پس از انقلاب، می تواند به تحلیل درست تر روندهای اجتماعی کشور، کمک کند.

در این مقاله سعی شده است تا روند تغییرات برخی از شاخص های جمعیت دانشگاهی از سال تحصیلی ۵۸ - ۱۳۵۷ تا سال تحصیلی ۸۲ - ۱۳۸۱ بررسی شود تا از قبل آن بتوان به تحلیل های دقیق تری به کل تحولات کشور دست یافت.

واژگان کلیدی

جمعیت دانشجویی، پذیرفته شدگان، دانش آموختگان، کادر آموزشی، زنان

۱- عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

۲- عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

مقدمه

نظام آموزش عالی ایران در ربع قرن گذشته بستر تحولات و دگرگونی های زیادی بوده و با وجود این فراز و نشیب ها توانسته است یکی از بیشترین نرخ های رشد و حرکت رو به جلو را نسبت به سایر بخش های کشور داشته باشد. به عنوان مثال طی این مدت نرخ رشد متوسط سالانه تعداد دانشجویان ۱۰ درصد بوده که گمان می رود کمتر بخشی از بخش های مختلف کشور به چنین نرخ رشدی دست یافته باشند.

در این دوره گرچه به طور کلی به کمیت بیش از کیفیت توجه شده، اما در مجموع، در پایان دوره ۲۵ ساله، نظام آموزش عالی دولتی شاهد تغییر ساختار آموزش عالی، حرکت به سوی عدم تمرکز و تفویض اختیار به دانشگاهها از یک سیستم متمرکز به سیستم غیرمتمرکز بوده است به طوری که در آینده می تواند بستر مناسبی را برای رشد و توسعه فراهم آورد. در این زمینه واگذاری تدوین برنامه های درسی به دانشگاههای داری هیات ممیزه، تأسیس هیأت های ممیزه منطقه ای، واگذاری اختیار پذیرش بورس، واگذاری اختیار گزینش و استخدام هیئت علمی به دانشگاههای منتخب، تنوع بخشی به جریان های آموزش عالی، افزایش اختیارات هیات های امناء و کمیسیون های دائمی، تفویض اختیار برای دوره های مشترک دکتری با دانشگاه های خارجی، تفویض اختیار برای دوره های نیمه حضوری به دانشگاه های مجری اینگونه آموزش ها، اجرای پذیرش دانشجو به صورت دوره های فراگیر، ارتقاء جایگاه تحقیقات و ایجاد پارک های تحقیقات - فناوری از اهم اقدامات تغییر ساختار بوده است.

آموزش عالی ایران در دهه اول انقلاب بدلیل مشکلات و مقتضیات ناشی از انقلاب و جنگ از رشد و بالندگی کافی و مورد انتظار برخوردار نبود. در دهه دوم انقلاب، روند رو به

رشدی را طی کرده است. بطوریکه تعداد دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی از حدود صد به بیش از ۳۰۰ مورد رسیده است.

در این گزارش عملکرد بخش آموزش عالی ایران و روند تحولات (اعم از بخش دولتی و بخش غیر دولتی) را طی سال های تحصیلی ۱۳۵۷-۵۸ تا ۱۳۸۱-۸۲ را بررسی می کنیم.

پذیرفته شدگان

طبیعی ترین عامل افزایش تقاضا برای آموزش عالی، رشد جمعیت است. هنگامی که جریان گسترش امکانات آموزشی آغاز شد، دیگر در نیمه راه امکان متوقف کردن آن وجود ندارد. زمانی که آموزش ابتدایی عمومیت می یابد، توسعه آموزش متوسطه اجتناب ناپذیر می گردد و به همین ترتیب در پی توسعه آموزش متوسطه، بسط و گسترش آموزش عالی قطعی است. البته در ایران نیز همانند بسیاری از کشورها، پذیرش در آموزش عالی الزاماً براساس نیاز بخش های اقتصادی به نیروی کار متخصص و ماهر گسترش نیافته، بلکه تقاضای اجتماعی بالا برای استفاده از امکانات آموزشی، سبب افزایش سرمایه گذاری در آموزش عالی شده است.

جداول ششگانه ای که در این گزارش به آنها استناد شده و روند تغییرات پذیرفته شدگان، دانشجویان و دانش آموختگان نظام آموزش عالی را پس از یک دوره ۲۴ ساله نشان می دهد، گویای نکات مهمی است.

جدول ۱- توزیع پذیرفته شدگان برحسب مقاطع تحصیلی طی سالهای ۱۳۵۸-۱۳۵۷ و ۱۳۸۱-۱۳۸۲

مقطع تحصیلی	کل کشور ۱۳۵۸-۱۳۵۷		دولتی ۱۳۸۱-۸۲		آزاد ۱۳۸۱-۸۲		کل کشور ۱۳۸۱-۸۲		نرخ رشد	
	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن
کاردانی	۲۹۰۰۸	۸۰۹۲	۶۸۳۲۳	۲۶۳۳۱	۷۲۹۲۸	۳۳۷۲۲	۱۴۱۲۵۱	۶۰۰۵۳	۶/۸	۸/۷
کارشناسی	۲۲۴۸۵	۸۲۱۸	۱۳۴۸۹۱	۸۴۳۱۰	۱۰۴۰۷۶	۵۹۳۶۲	۲۳۸۹۶۷	۱۴۳۶۷۲	۱۰/۳	۱۲/۷
کارشناسی ارشد	۲۰۰۱	۵۸۴	۱۱۸۶۰	۳۵۳۴	۵۵۰۵	۱۹۰۷	۱۷۳۶۵	۵۴۴۱	۹/۴	۹/۷
دکترای حرفه‌ای	۲۷۰۴	۸۱۶	۳۴۶۰	۲۱۰۶	۱۲۷۱	۴۹۹	۴۷۳۱	۲۶۰۵	۲/۴	۵/۰
دکترای تخصصی	۵۹	۱۲	۲۵۰۲	۶۴۶	۴۳۱	۱۱۰	۲۹۳۳	۷۵۶	۱۷/۷	۱۸/۸
جمع	۵۶۲۵۷	۱۷۷۲۲	۲۲۱۰۳۶	۱۱۶۹۲۷	۱۸۴۲۱۱	۹۵۶۰۰	۴۰۵۲۴۷	۲۱۲۵۲۷	۸/۶	۱۰/۹

جدول شماره ۱ در این مدت، کل جمعیت پذیرفته شدگان مراکز آموزش عالی از

۵۶/۲۵۷ نفر در سال تحصیلی ۱۳۵۷-۵۸ به ۴۰۵/۴۲۷ نفر در سال تحصیلی ۱۳۸۱-۸۲

افزایش یافته که نشان دهنده، رشد متوسط سالانه ای معادل ۸/۶ درصد است. این نرخ

رشد البته قابل توجه است چرا که با چنین نرخ رشدی جمعیت پذیرفته شدگان کشور

حدوداً هر ۸ سال دو برابر می شود. ضمن اینکه این نرخ رشد ۲/۷ بار بیشتر از نرخ رشد

جمعیت کشور طی سالهای ۲۰۰۱ - ۱۹۸۰ بوده است. در این مدت نرخ رشد متوسط سالانه

جمعیت کشور ۲/۳ درصد بود.

از کل پذیرفته شدگان دانشگاهی در سال ۱۳۸۱-۸۲ سهم دانشگاه آزاد ۴۵ درصد و سهم

دانشگاهها و مراکز آموزش عالی وابسته به وزارت علوم ۵۵ درصد است. به لحاظ توزیع

پذیرفته شدگان در مقاطع تحصیلی، پیش از انقلاب بیشترین پذیرفته شدگان در مقطع

کارشناسی بود. پس از آن به ترتیب کاردانی، دکترای حرفه ای، کارشناسی ارشد و

دکترای تخصصی قرار داشتند. اما در سال تحصیلی ۸۲ - ۱۳۸۱ این ترتیب کمی تغییر

کرده است به طوری که رتبه سوم را کارشناسی ارشد تصاحب کرده است. در این سال بیشترین پذیرفته شده در مقطع کارشناسی و پس از آن کاردانی، کارشناسی ارشد، دکترای حرفه ای و دکترای تخصصی قرار دارند.

به لحاظ نرخ رشد پذیرفته شدگان، بیشترین نرخ رشد از آن مقطع دکترای تخصصی بوده است. (با متوسط رشد سالانه ۱۷/۷ درصد). پس از آن کارشناسی (۱۰/۳ درصد)، کارشناسی ارشد (۹/۴ درصد)، کاردانی (۶/۸ درصد) و دکترای حرفه ای (۲/۴ درصد) قرار دارد.

به لحاظ ترکیب جنسی، چنانکه جدول ۱ می گوید رشد پذیرفته شدگان زن طی سالهای ۸۱ - ۱۳۵۷ سالانه به طور متوسط ۱۰/۹ درصد بوده است. (بیش از نرخ رشد کل پذیرفته شدگان که ۸/۶ درصد بود) همچنین تعداد پذیرفته شدگان زن از ۱۷۷۲۲ نفر در سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ (با سهم ۳۱/۵ درصد پذیرفته شدگان) به ۲۱۲،۵۲۷ نفر در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ رسیده است. (با سهم ۵۲/۴ درصد کل پذیرفته شدگان)

جدول ۲ - توزیع پذیرفته شدگان برحسب گروههای آموزشی طی سالهای ۵۸-۱۳۵۷ و ۸۲-۱۳۸۱

نرخ رشد	کل کشور ۱۳۸۱-۸۲		آزاد ۱۳۸۱-۸۲		دولتی ۱۳۸۱-۸۲		کل کشور ۱۳۵۷-۵۸		گروه آموزشی	
	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن		
۹/۱	-	۱۷۷۱۸۶	۱۱۱۱۱۵	۸۸۷۰۵	۵۶۳۱۱	۸۸۴۸۱	۵۴۸۰۴	۲۲۰۸۶	-	علوم انسانی
۷/۱	-	۴۷۰۶۱	۳۳۱۸۹	۱۹۷۶۵	۱۵۷۴۲	۲۷۲۹۶	۱۷۴۴۷	۹۰۴۲۴	-	علوم پایه
۱۳/۱	-	۲۸۹۸۲	۱۱۸۴۴	۱۴۴۸۳	۴۴۳۹	۱۴۴۹۹	۷۴۰۵	۱۵۲۰	-	کشاورزی و دامپزشکی
۸/۷	-	۱۰۶۱۹۵	۲۱۳۵۵	۴۹۹۵۵	۹۶۰۷	۵۶۲۴۰	۱۱۷۴۸	۱۴۲۲۰	-	فنی مهندسی
۵/۵	-	۳۲۳۱۴	۲۵۱۳۵	۸۲۱۶	۷۳۷۹	۲۴۰۹۸	۱۷۷۵۶	۸۸۹۷	-	پزشکی
۹/۵	-	۱۳۵۰۹	۹۸۸۹	۳۰۸۷	۲۱۲۲	۱۰۴۲۲	۷۷۶۷	۱۵۳۳	-	هنر
۸/۵	-	۴۰۵۲۴۷	۲۱۲۵۲۷	۱۸۴۲۱۱	۹۵۶۰۰	۲۲۱۰۳۶	۱۱۶۹۲۷	۵۷۲۸۰	-	جمع

اما جدول ۲ چگونگی توزیع پذیرفته شدگان را براساس گروه آموزشی طی سالهای ۵۷ تا ۸۱ نشان می دهد.

قبل از انقلاب، بیشترین پذیرفته شدگان در گروه تحصیلی علوم انسانی بودند. پس از آن فنی - مهندسی، علوم پایه، پزشکی، هنر و کشاورزی و دامپزشکی قرار داشتند. در حالیکه پس از انقلاب ترکیب پذیرفته شدگان بر حسب گروه آموزشی آنان به این صورت بوده است: علوم انسانی، فنی - مهندسی، علوم پایه، کشاورزی و دامپزشکی، پزشکی و هنر. به طوری که پیداست پس از انقلاب، بر اهمیت گروه کشاورزی و دامپزشکی افزوده شده است. قضاوت بر اساس نرخ رشد گروههای آموزشی این نکته را نیز تایید می کند چرا که در دوره مورد بررسی (۸۱-۱۳۷۵) نرخ رشد گروه کشاورزی و دامپزشکی با ۱۳/۱ درصد رشد متوسط سالانه بیشترین جهش را داشته است. پس از آن به ترتیب گروه هنر (۹/۵ درصد)، علوم انسانی (۹/۱ درصد)، فنی - مهندسی (۸/۷ درصد)، علوم پایه (۷/۱ درصد) و پزشکی (۵/۵ درصد) قرار داشته اند. به لحاظ ترکیب جنسی پذیرفته شدگان در گروههای آموزشی، آمار مربوط به سهم زنان در سال تحصیلی ۵۸ - ۱۳۵۷ وجود نداشت. اما چنانکه از جدول ۲ پیداست، بیشترین حضور زنان در پذیرفته شدگان کل کشور در سال تحصیلی ۸۲ - ۱۳۸۱ در گروه علوم انسانی است. پس از آن، گروه علوم پایه، پزشکی، فنی - مهندسی، کشاورزی و دامپزشکی و هنر قرار دارند.

دانشجویان

در قرن بیستم هدف بسیاری از کشورها بویژه کشورهای در حال توسعه، عمومی ساختن آموزش متوسطه بود، بدین معنی که آموزش قبل از دانشگاه تا حد ممکن در دسترس آحاد جامعه قرار گیرد. اما از آنجا که هدف بسیاری از کشورها در قرن

بسیست و یکم عمومی ساختن و در دسترس همه قرار دادن آموزش عالی است، لذا انتظار می رود که بر تلاشهای گسترش آموزش عالی در کشور ما نیز افزوده شود.

جدول ۳- توزیع دانشجویان برحسب مقاطع تحصیلی طی سالهای ۵۸-۱۳۵۷ و ۸۲-۱۳۸۱

نرخ رشد		کل کشور		آزاد		دولتی		کل کشور		مقاطع تحصیلی
		۱۳۸۱-۸۲		۱۳۸۱-۸۲		۱۳۸۱-۸۲		۱۳۵۷-۵۸		
کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	
۸/۷	۱۰/۱	۴۰۴۴۳۹	۱۶۸۶۳۲	۲۳۱۷۷۴	۱۰۷۲۷۷۹	۱۷۲۹۶۵	۶۱۳۵۳	۵۸۸۸۷۱	۱۶۵۸۵	کاردانی
۱۰/۹	۱۳/۳	۱۱۸۶۲۱۵	۶۵۵۸۶۹	۶۳۳۳۰۸	۳۲۴۳۰۱	۵۵۲۹۰۷	۳۲۱۵۶۸	۹۸۹۱۷	۳۲۴۷۰	کارشناسی
۱۰/۳	۱۱/۱	۶۶۷۹۶	۲۱۵۶۱	۲۷۶۲۲	۱۰۴۵۸	۳۹۱۷۴	۱۱۱۰۲	۶۳۴۰	۱۷۱۷	کارشناسی ارشد
۶/۱	۸/۳	۴۲۷۸۸	۲۰۶۰۴	۱۰۶۲۹	۴۶۹۰	۳۲۱۵۹	۱۵۹۱۴	۱۰۳۰۲	۳۰۱۷	دکترای حرفه ای
۱۰/۷	۱۱/۲	۱۴۱۹۵	۳۳۲۱	۱۸۳۳	۴۱۱	۱۲۳۶۲	۲۹۱۰	۱۲۴۵	۲۵۹	دکترای تخصصی
۱۰/۱۰	۱۷/۳	۱۷۱۴۴۳۳	۸۶۹۹۸۷	۹۰۴۸۶۶	۴۵۷۱۳۹	۸۰۹۵۶۷	۴۲۸۸۴۸	۱۷۵۶۷۵	۵۴۲۴۸	جمع

در میان تمام متغیرهایی که ما در این گزارش بررسی می کنیم دانشجویان مهم ترین است. جدول ۳ توزیع تعداد دانشجویان برحسب مقطع تحصیلی را طی سالهای تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ تا ۸۲-۱۳۸۱ نشان می دهد.

چنانچه از این جدول مشخص است در دوره مورد بررسی سالانه بطور متوسط تعداد دانشجویان دقیقا ۱۰ درصد رشد داشته است. با چنین نرخ رشدی تقریباً هر ۷ سال تعداد دانشجویان دو برابر می شود. این نرخ رشد همچنین ۴/۳ برابر متوسط رشد جمعیت کل کشور طی سالهای ۲۰۰۱-۱۹۸۰ است. در این سالها نرخ رشد سالانه جمعیت ۲/۳ درصد بود. تعداد دانشجویان از ۱۷۵،۶۷۵ نفر در سال ۵۷ به ۱،۷۱۴،۴۳۳ نفر در سال ۸۱ رسید.

در سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ بیشترین دانشجویان در مقطع کارشناسی به تحصیل اشتغال داشتند. پس از آن کاردانی، دکترای حرفه ای، کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی قرار داشت. چنانچه در قسمت قبل هم دیدیم این ترکیب در میان پذیرفته شدگان سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ نیز وجود داشت. اما در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ ترکیب حضور دانشجویان در مقاطع مختلف تحصیلی به این ترتیب است: کارشناسی، کاردانی، کارشناسی ارشد، دکترای حرفه ای و دکترای تخصصی، ترتیبی که در میان پذیرفته شدگان سال ۸۲-۱۳۸۱ نیز وجود داشت. پس می توان گفت رفتار ترکیب تعداد دانشجویان از لحاظ مقطع تحصیلی همان چیزی است که در میان پذیرفته شدگان وجود دارد.

بیشترین نرخ رشد تعداد دانشجویان در مقاطع تحصیلی از آن کارشناسی است با رشد متوسط سالانه ۱۰/۹ درصد. پس از آن دانشجویان مقطع دکترای تخصصی بیشترین افزایش را داشته اند (با رشد متوسط سالانه ۱۰/۷ درصد) و کارشناسی ارشد (با رشد ۱۰/۳ درصد)، کاردانی (با رشد ۸/۴ درصد) و دکترای حرفه ای (با رشد ۶/۱ درصد) در رده های بعدی قرار گرفته اند.

جدول ۳ همچنین نشان می دهد که در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ معادل ۵۳ درصد دانشجویان در دانشگاه آزاد (۹۰۴،۸۶۶ نفر) و ۴۸ درصد در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی مورد قبول وزارت علوم (۸۰۹،۵۶۷ نفر) به تحصیل اشتغال داشته اند. در حالیکه در قسمت قبل دیدیم در میان پذیرفته شدگان این سال سهم دانشگاه های دولتی بیشتر بود. (۵۵ درصد در مقابل ۴۵ درصد)

همانند مورد پذیرفته شدگان، در سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ دانشجویان زن بیشتر در مقطع کارشناسی مشغول به تحصیل بودند و مقاطع کاردانی، دکترای حرفه ای، کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی در مرتبه های بعدی از لحاظ حضور دانشجویان زن قرار

دارند. این ترتیب همانند ترتیب فراوانی کل دانشجویان (صرفنظر از جنسیت) در مقاطع تحصیلی است. چنین حکمی را در مورد دانشجویان زن سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ نیز می توان داد. یعنی دانشجویان زن به ترتیب در مقاطع کارشناسی، کاردانی، کارشناسی ارشد، دکترای حرفه ای و دکترای تخصصی بیشترین حضور را داشته اند.

اما به طور کلی سهم زنان در میان دانشجویان سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ معادل ۳۰/۹ درصد بود که این نسبت در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ به ۵۰/۷ درصد رسید یعنی در این سال بیش از نیمی از دانشجویان را زنان تشکیل می دادند. همچنین رشد تعداد دانشجویان زن طی دوره مورد بررسی سالانه به طور متوسط ۱۲/۳ درصد بود. (بیش از نرخ رشد متوسط کل دانشجویان یعنی ۱۰ درصد)

جدول ۴: توزیع دانشجویان برحسب گروههای آموزشی طی سالهای ۵۸-۱۳۵۷ و ۸۲-۱۳۸۱

نرخ رشد	کل کشور ۸۲-۱۳۸۱		آزاد ۸۲-۱۳۸۱		دولتی ۸۲-۱۳۸۱		کل کشور ۵۸-۱۳۵۷		گروه آموزشی	
	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن		
۱۰/۸	۱۳/۱۵	۷۹۷۵۸	۴۷۷۲۲۷	۴۵۰۸۱۸	۲۷۲۶۱۶	۳۴۶۶۴۰	۲۰۴۶۱۱	۶۸۲۱۵	۲۵۳۱۹	علوم انسانی
۸/۰	۱۲/۰۲	۱۸۴۸۸۰	۱۲۸۵۶۸	۸۴۳۸۵	۶۶۲۰۶	۱۰۰۴۹۵	۶۲۳۶۲	۲۹۱۲۹	۸۴۳۵	علوم پایه
۱۲/۵	۱۵/۹۸۵	۱۱۳۶۹۳	۴۳۱۷۰	۵۹۹۴۸	۱۶۶۱۷	۵۳۷۵۵	۲۶۵۵۳	۶۶۸۳	۱۲۲۹	کشاورزی و دامپزشکی
۱۰/۳	۱۴/۰۵۳	۴۳۰۶۲۷	۸۸۸۱۸	۲۷۷۳۹۳	۵۲۰۹۶	۱۸۳۲۳۴	۳۶۷۲۲	۴۱۰۱۷	۳۷۸۴	فنی مهندسی
۷/۱	۸/۴۴۶۱	۱۳۴۴۰	۹۶۳۴۲	۴۰۴۰۸	۳۵۸۷۶	۹۳۰۳۷	۶۰۴۶۶	۲۵۵۸۸	۱۳۷۶۲	پزشکی
۱۰/۴	۱۳/۴۹۴	۵۴۳۲۵	۳۵۸۶۲	۲۱۹۱۴	۱۳۷۲۸	۳۷۲۷۱	۲۷۱۳۴	۵۰۴۳	۱۷۱۹	هنر
۱۰/۰	۱۲/۲۵۷	۱۷۱۸۴۳۳	۸۶۹۹۸۷	۹۰۴۸۶۶	۵۴۷۱۳۹	۸۰۹۵۶۷	۴۱۲۸۴۸	۱۷۵۶۷۵	۵۴۲۴۸	جمع

جدول ۴ دانشجویان کشور را از بعد دیگری یعنی نحوه توزیع در گروه های عمده

آموزشی نشان می دهد.

درسال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ چنانکه انتظار می رود بیشترین دانشجویان در گروه آموزشی علوم انسانی قرار داشته اند و پس از آن به ترتیب گروههای فنی - مهندسی، علوم پایه، پزشکی، کشاورزی و دامپزشکی و هنر قرار دارند. ترکیب بیشترین حضور دانشجویان در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ از این قرار است: علوم انسانی، فنی - مهندسی، علوم پایه، پزشکی، کشاورزی و دامپزشکی و هنر که عیناً همان ترکیب سال ۵۸-۵۷ است.

اما طی دوره مورد بررسی بیشترین رشد تعداد دانشجویان را گروه کشاورزی و دامپزشکی داشته است به طوری که تعداد دانشجویان آن سالانه به طور متوسط $12/53$ درصد طی این ۲۴ سال رشد داشته اند. پس از آن دانشجویان علوم انسانی (با رشد متوسط سالانه $10/79$ درصد)، دانشجویان هنر (با رشد متوسط سالانه $10/41$ درصد)، دانشجویان فنی - مهندسی (با رشد متوسط سالانه $10/29$ درصد) و بالاخره دانشجویان علوم پایه (با رشد سالانه ۸ درصد).

در سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ بیشترین حضور زنان در میان دانشجویان در گروه علوم انسانی بود (با ۲۵،۳۱۹ دانشجو) پس از آن گروههای تحصیلی پزشکی، علوم پایه، فنی - مهندسی، هنر و کشاورزی و دامپزشکی قرار داشتند. اما در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ باز هم دانشجویان زن بیشتر در گروه علوم انسانی مشغول به تحصیل بودند (۴۷۷،۲۲۷ دانشجو) و پس از آن گروههای علوم پایه، پزشکی، فنی - مهندسی، کشاورزی و دامپزشکی و هنر قرار داشتند که تغییراتی را با سال ۵۸-۱۳۵۷ دارد.

اما به لحاظ رشد تعداد دانشجویان زن به ترتیب گروه کشاورزی و دامپزشکی (با ۱۶ درصد رشد سالانه) قرار دارد و پس از آن فنی - مهندسی، هنر، علوم انسانی، علوم پایه، و پزشکی قرار دارند. این رشد ها نشان می دهد که گرایش زنان برای حضور در رشته هایی که به طور سنتی مردانه محسوب می شود بیشتر شده و برعکس رشد

تعداد دانشجویان زن در گروه پزشکی (به نسبت گروه های دیگر) کمترین مقدار بوده است.

دانش آموختگان

مهم ترین محصول تولیدی دانشگاهها دانش آموختگان هستند. تمام امکانات دانشگاهها در این جهت به بهره برداری می رسد که بتواند دانش آموختگان کارا و مؤثر در چرخه تولید بوجود آورد. واقعیت این است که هیچ کشوری بدون داشتن مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی مناسب که موجب بوجود آمدن افرادی نقاد، ماهر و کاردان شود، نمی تواند به توسعه درونزا و پایدار دست یابد.

جداول ۵ و ۶ وضعیت دانش آموختگان نظام آموزش عالی ایران را طی دوره ۲۴

ساله ۸۱-۱۳۵۷ نشان می دهند.

جدول ۵: توزیع دانش آموختگان برحسب مقاطع تحصیلی طی سالهای ۵۸-۱۳۵۷ و ۸۲-۱۳۸۱

نرخ رشد		کل کشور		آزاد		دولتی		کل کشور		مقطع تحصیلی
		۱۳۸۱-۸۲		۱۳۸۱-۸۲		۱۳۸۱-۸۲		۱۳۵۷-۵۸		
کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	
۵/۳	۶/۸	۶۸۹۵۹	۲۸۸۶۰	۲۹۶۶۸۲	۱۴۷۷۶	۳۹۲۷۷	۱۴۰۸۴	۲۰۰۷۰	۵۸۹۲	کارדانی
۱۰/۴	۱۲/۸	۱۴۵۱۰۲	۷۰۲۵۶	۷۰۵۴۲	۳۲۲۱۰	۷۴۵۶۰	۳۸۰۴۶	۱۳۵۷۴	۳۹۰۷	کارشناسی
۱۰/۲	۱۰/۶	۹۱۰۸	۲۴۲۷	۲۰۴۲	۶۴۶	۷۰۶۶	۱۷۸۱	۸۸۵	۲۱۵	کارشناسی ارشد
۷/۰	۹/۳	۵۰۶۲	۱۸۲۴	۷۱۵	۲۵۲	۴۴۴۷	۱۵۷۲	۹۸۸	۲۱۶	دکترای حرفه ای
۱۷/۴	۲۴/۵	۱۹۶۰	۵۷۵	۹۳	۲۱	۱۸۶۲	۵۵۴	۴۲	۳	دکترای تخصصی
۸/۱	۱۰/۱	۲۳۰۱۹۱	۱۰۳۹۴۲	۱۰۳۰۷۴	۴۷۹۰۵	۱۲۷۱۱۷	۵۶۰۳۷	۳۵۵۵۹	۱۰۲۳۳	جمع

چنانچه از جدول ۵ مشهود است در سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ در مجموع ۳۵،۵۵۹ نفر از دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی کشور مدرک گرفتند. از این تعداد ۲۰،۰۷۰ نفر در مقطع کاردانی، ۱۳۵۷۴ نفر در مقطع کارشناسی، ۹۸۸ نفر در مقطع دکترای حرفه ای، ۸۸۵ نفر در مقطع کارشناسی ارشد و ۴۲ نفر در مقطع دکترای تخصصی فارغ التحصیل شدند. اما در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ کل دانش آموختگان طی دوره مورد بررسی سالانه به طور متوسط ۸/۱ درصد بوده است که نشان می دهد هر ۸/۶ سال این تعداد ۲ برابر می شود. همچنین این نرخ رشد معادل ۲/۵ برابر نرخ رشد جمعیت طی سالهای ۲۰۰۱ - ۱۹۸۰ است. (در این دوره نرخ متوسط سالانه رشد جمعیت ۲/۳ درصد بود). در سال تحصیلی ۸۲ - ۸۱ بیشترین دانش آموخته در مقطع کارشناسی به تعداد ۱۴۵،۱۰۲ نفر است. (چنانچه دیدیم در سال تحصیلی ۵۸ - ۱۳۵۷ بیشترین دانش آموختگان در مقطع کاردانی بودند). پس از آن، کاردانی با ۶۸،۹۵۹ نفر، کارشناسی ارشد با ۹،۱۰۸ نفر، دکترای حرفه ای با ۵،۰۶۲ نفر و دکترای تخصصی با ۱،۹۶۰ نفر قرار دارند.

به لحاظ نرخ رشد نیز طی این دوره، دانش آموختگان مقطع دکترای تخصصی با رشد متوسط ۱۷/۴ درصد در سال بیشترین افزایش را نسبت به ابتدای دوره داشته اند. پس از آن مقطع کارشناسی (با ۱۰/۴ درصد نرخ رشد)، کارشناسی ارشد (با ۱۰/۲ درصد نرخ رشد)، دکترای حرفه ای (با ۷ درصد نرخ رشد) و کاردانی (با ۵/۳ درصد نرخ رشد) قرار داشته اند.

اما بررسی ترکیب جنسی دانش آموختگان: در سال تحصیلی ۵۸ - ۱۳۵۷ معادل ۲۸/۸ درصد از کل دانش آموختگان را زنان تشکیل می دادند که این نسبت در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ به ۴۵/۲ درصد رسید. نرخ رشد متوسط سالانه دانش آموختگان زن طی این دوره ۱۰/۱ درصد بود که از نرخ رشد کل دانش آموختگان (۸/۱ درصد) بیشتر

است و به عنوان یک نمونه در ابتدای دوره تنها ۳ زن در مقطع دکترای تخصصی مدرک گرفتند که این عدد در پایان دوره به ۵۷۵ نفر رسید. (نرخ رشد متوسط سالانه ۲۴/۵ درصد).

جدول ۶: توزیع دانش‌آموختگان برحسب گروه‌های آموزشی طی سالهای ۵۸-۱۳۵۷ و ۸۲-۱۳۸۱

نرخ رشد	کل کشور ۱۳۸۱-۸۲		آزاد ۱۳۸۱-۸۲		دولتی ۱۳۸۱-۸۲		کل کشور ۱۳۵۷-۵۸		گروه آموزشی	
	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن		
۸/۳	۱۰/۴	۱۰۳۳۷۰	۵۴۵۸۰	۵۸۷۴۳	۳۲۵۰۵	۴۴۶۲۷	۲۲۰۷۵	۱۵۴۱۲	۵۰۷۳	علوم انسانی
۴/۴	۸/۳	۲۰۶۷۳	۱۲۸۱۶	۷۴۳۳	۵۳۸۲	۱۳۲۴۰	۷۴۳۴	۷۲۸۳	۱۸۸۹	علوم پایه
۱۱/۲	۱۵/۲	۱۵۰۶۰	۴۶۱۹	۶۱۵۱	۹۶۸	۸۹۰۹	۲۶۵۱	۱۱۸۵	۱۵۶	کشاورزی و دامپزشکی
۸/۹	۱۰/۹	۵۷۴۷۴	۸۸۶۰	۲۴۴۸۹	۳۵۴۴	۳۲۹۸۷	۵۳۱۶	۷۳۸۴	۷۳۵	فنی مهندسی
۹/۱	۹/۷	۲۸۷۴۹	۱۹۷۸۱	۵۷۴۴	۵۲۲۸	۲۳۰۰۳	۱۴۵۵۳	۳۵۵۱	۲۱۵۷	پزشکی
۸/۱	۱۱/۹	۴۸۴۳	۳۲۸۶	۵۱۲	۲۷۸	۴۳۵۱	۳۰۰۸	۷۴۴	۲۲۳	هنر
۸/۱	۱۰/۱	۲۳۰۱۹۱	۱۰۳۹۴۲	۱۰۳۰۷۴	۴۷۹۰۵	۱۳۷۱۱۷	۵۶۰۳۷	۳۵۵۵۹	۱۰۲۳۳	جمع

جدول ۶ توزیع دانش‌آموختگان را براساس گروه آموزشی نشان می‌دهد. چنانچه پیداست در ابتدای دوره (سال تحصیلی ۵۸ - ۱۳۵۷) بیشترین دانش‌آموختگان در گروه تحصیلی علوم انسانی قرار داشتند، به طوری که ۴۳ درصد دانش‌آموختگان را تشکیل می‌دادند، پس از آن فنی - مهندسی، علوم پایه، پزشکی، کشاورزی و دامپزشکی و هنر قرار داشتند. و اما در پایان دوره (سال تحصیلی ۸۲ - ۱۳۸۱) باز هم بیشترین تعداد مطلق دانش‌آموختگان در گروه آموزشی علوم انسانی بودند. با این تفاوت که این بار سهم آنان

از کل دانش آموختگان، اندکی افزایش یافته و به ۴۵ درصد رسیده است. پس از گروه علوم انسانی به ترتیب گروه‌های فنی - مهندسی، پزشکی، علوم پایه، کشاورزی، دامپزشکی و هنر قرار داشتند، که اندک تفاوتی را با سال ابتدای دوره نشان می‌دهد به طوری که جای گروه پزشکی و علوم پایه تغییر کرده است.

در میان گروه های عمده آموزشی نیز بیشترین نرخ رشد متعلق به کشاورزی و دامپزشکی (۱۱/۱۷ درصد رشد)، پس از آن به ترتیب پزشکی، فنی - مهندسی، علوم انسانی، هنر و علوم پایه قرار داشته اند. به لحاظ ترکیب جنسی نیز بیشترین نرخ رشد فارغ التحصیلان زن در گروه دامپزشکی و کشاورزی (۱۵/۲ درصد) بوده که به ترتیب گروه هنر (۱۱/۹ درصد نرخ رشد متوسط سالانه)، فنی - مهندسی (با ۱۰/۹ درصد نرخ رشد)، علوم انسانی (با ۱۰/۴ درصد نرخ رشد)، پزشکی (با ۹/۷ درصد نرخ رشد) و علوم پایه (با ۸/۳ درصد نرخ رشد) پس از آن قرار داشتند.

کادر آموزشی

جدول ۷: توزیع کادر آموزشی تمام وقت برحسب مرتبه علمی طی سالهای ۵۸-۱۳۵۷ و ۸۲-۱۳۸۱

نرخ رشد	کل کشور ۱۳۸۱-۸۲		آزاد ۱۳۸۱-۸۲		دولتی ۱۳۸۱-۸۲		کل کشور ۱۳۵۷-۵۸		مرتبه علمی	
	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن		
۰/۹	-	۱۰۵۱	۹۰	۳۰۷	۵۳	۷۴۴	۳۷	۸۳۹	-	استاد
۰/۳	-	۱۳۸۰	۷۳	۹۱	۳	۱۲۸۹	۷۰	۱۲۷۷	-	دانشیار
۳/۵	-	۶۸۳۴	۷۱۳	۱۲۵۱	۲۱۱	۵۵۸۳	۵۰۲	۲۹۶۹	-	استادیار
۵/۹	-	۱۲۶۳۰	۲۲۹۲	۶۹۶۷	۱۴۰۲	۵۶۶۳	۸۹۰	۳۱۶۴	-	مربی
۲۹/۰	-	۴۵۵	۱۰۲	۱۸۳	۴۲	۲۷۲	۶۰	۱	-	مربی آموزشیار
-۱/۹	-	۱۳۶۹	۲۹۵	۱۹۸	۳۶	۱۱۷۱	۲۵۹	۲۱۷۶	-	سایر مدرسین
۳/۵	۲/۹	۲۳۷۱۹	۳۵۶۵	۸۹۹۷	۱۷۴۷	۱۴۷۲۲	۱۸۱۸	۱۰۴۲۶	۱۸۱۱	جمع

جدول شماره ۷ روند تغییرات کادر آموزشی و مدرسین تمام وقت دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ایران را طی سالهای تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ و ۸۲-۱۳۸۱ بر اساس توزیع مرتبه علمی آنان نشان می دهد. البته در این جدول، مربی آموزشیار عبارت از یک عضو هیات علمی است که مدرک کارشناسی دارد و سایر مدرسین عبارت از کسانی است که دارای مرتبه مشخص علمی نیستند اما به عنوان کادر آموزشی فعالیت دارند.

در سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ در مجموع ۱۰،۴۲۶ نفر کادر آموزشی تمام وقت وجود داشت که ۸۳۹ نفر (۸/۰ درصد) آنان دارای مرتبه استادی، ۱،۲۷۷ نفر (۱۲/۳ درصد) دانشیار، ۲۹۶۹ نفر (۲۸/۵ درصد) استادیار، ۳۱۶۴ نفر (۳۰/۴ درصد) مربی و ۲،۱۷۶ نفر (۲۰/۸ درصد) سایر مدرسین بودند.

اما در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ در مجموع ۲۳،۷۱۹ نفر کادر آموزشی تمام وقت دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی (اعم از دولتی و آزاد) بودند که ۱،۰۵۱ نفر از آنها (معادل ۴/۴ درصد) در مرتبه استادی، ۱۳۸۰ نفر (۵/۸ درصد) دانشیار، ۶،۸۳۴ نفر (۲۸/۸ درصد) استادیار، ۱۲،۶۳۰ نفر (۵۳/۳ درصد) مربی، ۴۵۵ نفر (۱/۹ درصد) مربی آموزشیار و ۱۳۶۹ نفر (۵/۸ درصد) سایر مدرسین بوده اند. چنانچه پیدایش نسبت استاد و دانشیار کاهش و نسبت مربی افزایش یافته است.

به لحاظ رشد تعداد کادر آموزشی در دوره مورد بررسی عدد ۲/۵ درصد، به دست می آید که نسبت به عدد رشد تعداد دانشجویان (۱۰ درصد)، بسیار کمتر است. همچنین رشد متوسط سالانه کادر آموزشی با مرتبه استادی در دوره مورد بررسی ۰،۹ درصد، دانشیار ۰/۳ درصد، استادیار ۲/۵ درصد، مربی ۵/۹ درصد و سایر مدرسین منفی ۱/۹ درصد بوده است.

به لحاظ ترکیب جنسی کادر آموزشی، آمار سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ به تفکیک مرتبه علمی کادر آموزشی زن موجود نبود. اما در این سال ۱۸۱۱ نفر زن به عنوان کادر آموزشی تمام وقت مشغول به کار بودند که معادل $17/4$ درصد کل کادر آموزشی است. اما در سبال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ در مجموع ۳،۵۶۵ نفر زن (معادل $15/0$ درصد کل) به عنوان کادر آموزشی در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی مشغول فعالیت بودند و گرچه مطلق عدد آنان افزایش یافته اما سهم آنان نسبت به ابتدای دوره کاهش یافته است. همچنین در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ معادل $8/6$ درصد از کادر آموزشی که دارای مرتبه استادی بودند را زنان تشکیل می دادند. به همین ترتیب سهم زنان در کادر آموزشی دانشیار $5/3$ درصد، سهم زنان در کادر آموزشی استادیار $10/4$ درصد، سهم زنان در کادر آموزشی مربی $2/18$ درصد، سهم در مربی آموزشیار $22/4$ درصد و سهم در سایر مدرسین $21/6$ درصد است.

از مجموع ۱۳،۷۱۹ نفر کادر آموزشی تمام وقت دانشگاهها در سال ۸۲-۱۳۸۱ معادل ۳۸ درصد آنان در دانشگاه آزاد و ۶۲ درصد در دانشگاههای دولتی مشغول به کار بوده اند.

به لحاظ شاخص نسبت دانشجو به استاد، با در نظر گرفتن ۱۷۵،۶۷۵ نفر دانشجو و ۱۰،۴۲۶ نفر کادر آموزشی در سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ و ۱،۷۱۴،۴۳۳ نفر دانشجو و ۱۳،۷۱۹ نفر کادر آموزشی در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱، شاخص نسبت دانشجو به استاد برای این دو سال به ترتیب $16/9$ و $72/2$ درصد به دست می آید که نشان از عقب ماندن شدید جذب مدرسین تمام وقت دانشگاه نسبت به جذب دانشجو است.

نتیجه گیری

معمولاً برای آموزش عالی رسالت هایی همچون تامین نیروی انسانی متخصص، تولید علم و گسترش مرزهای دانش عنوان می شود. اما در ایران از آموزش عالی بسیار بیش از این توقع می رود. در ایران، آموزش عالی نهادی است که انتظار می رود بیش از هر نهاد دیگری در تحول ساختارها و نهادهای اقتصادی - اجتماعی تاثیر گذارند و در جهت توسعه کشور عمل کند و از دانشگاه ها خواسته می شود به نحو فزاینده ای در سازندگی و پیشرفت جامعه نقش مؤثری داشته باشند و متخصصان، مدیران، دانشمندان و هنرمندان توانایی آموزش دهند. اما در ایران پس از انقلاب، بخش آموزش عالی فراز و نشیب های زیادی داشته است.

در این مقاله، عملکرد بخش آموزش عالی ایران طی سالهای تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ تا

۸۲-۱۳۸۱ بررسی شد که خلاصه آن به شرح زیر می باشد:

پذیرفته شدگان: تعداد پذیرفته شدگان با نرخ رشد متوسط سالانه ۸/۶ درصد از ۵۶،۲۵۷ نفر به ۴۰۵،۲۴۷ نفر افزایش یافته است. در بین مقاطع تحصیلی بیشترین رشد پذیرفته شدگان متعلق به دکترای تخصصی (۱۷/۷ درصد) و در بین گروههای عمده آموزشی بیشترین رشد متعلق به گروه کشاورزی و دامپزشکی (۱۳/۱ درصد) است.

دانشجویان: تعداد دانشجویان از ۱۷۵،۶۷۵ نفر به ۱،۷۱۴،۴۳۳ نفر رسیده است.

که رشد متوسط سالانه ۱۰ درصد را نشان می دهد. در بین مقاطع تحصیلی بیشترین رشد تعداد دانشجویان متعلق به مقطع کارشناسی (۱۰/۹ درصد) و در بین گروه های عمده آموزشی بیشترین رشد متعلق به گروه کشاورزی و دامپزشکی (۱۲/۵ درصد) است.

دانش آموختگان: تعداد دانش آموختگان از ۳۵،۵۵۹ نفر به ۲۳۰،۱۹۱ نفر افزایش

یافته که نشان دهنده رشد متوسط سالانه ای معادل ۱۸ درصد است. در بین مقاطع

تحصیلی بیشترین رشد تعداد دانش آموختگان متعلق به دکترای تخصصی (۱۷/۴ درصد) و در بین گروههای عمده تحصیلی بیشترین رشد متعلق به گروه کشاورزی و دامپزشکی (۱۱/۲ درصد) است.

کادر آموزشی: تعداد کادر آموزشی تمام وقت دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ایران از ۱۰،۴۲۶ نفر به ۲۳،۷۱۹ نفر رسیده که رشد متوسط سالانه ای معادل ۳/۵ درصد را نشان می دهد. همچنین نسبت دانشجو به استاد در ابتدای دوره ۱۶/۹ و در انتهای دوره ۷۲/۳ بوده است.

سهم زنان: یکی از شاخص های مهم در شناخت میزان توسعه یافتگی کشورها بررسی وضعیت زنان در جایگاه های مختلف اجتماعی است.

سهم زنان در بین پذیرفته شدگان از ۳۱/۵ درصد به ۵۲/۴ درصد افزایش یافته است. همچنین سهم زنان در بین دانشجویان از ۳۰/۹ درصد به ۵۰/۷ درصد افزایش یافته و سهم زنان در بین دانش آموختگان از ۲۸/۸ درصد به ۴۵/۲ درصد افزایش یافته است. اما سهم زنان در کادر آموزشی کاهش یافته به طوری که این نسبت از ۱۷/۴ درصد به ۱۵/۰ درصد رسیده است.

منابع

- ۱- روشن، احمدرضا، عملکرد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پس از انقلاب، گزارش تحقیقی، مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۳.
- ۲- روشن، احمدرضا، یک دهه با آموزش عالی، ماهنامه «نامه آموزش عالی» سال اول، شماره ۸، اردیبهشت ۱۳۸۳.
- ۳- محمدنژادعالی زمینی، یوسف، گزارش ملی آموزش عالی ایران، مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۱.
- ۴- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری، سالهای مختلف.
- ۵- مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، آمار آموزش عالی ایران، سالهای مختلف
- ۶- یونسکو، بیانیه جهانی آموزش عالی برای قرن آینده، مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، ۱۳۷۸.
- ۷- یونسکو، بیانیه کنفرانس جهانی علم در سده بیست و یکم، مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، ۱۳۷۹.